

۱۷ شهرالجمال ۱۶۸

۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۰

پیروان جان‌فشان جمال قدم در کشور مقدس ایران ملاحظه فرمایند

دوستان عزیز و محبوب،

سومین سالگرد مسجونیت اعضای هیئت سابق یاران یادآور شرایط دردناکی می‌باشد که جامعه بهائی ایران هم‌چنان با آن روبه‌رو است. ادامه این وضع اسف‌بار ایجاب می‌کند که فرزندان راستین این سرزمین در باره علل بنیادین این ظلم و بی‌آمدهای گسترده آن در آینده مملکتی که زمانی پرچم دار حقوق انسان بوده است به تفکر و تعمق پردازند.

امروز بر هر ناظر بی‌طرفی روشن است که هفت نفر اعضای هیئت سابق یاران مصداق بارز زندانیان وجدان هستند. بازتاب مکرر نام این هفت نفر در رسانه‌های جهان نمادی از اعتراض ملل عالم به ظلم و ستمی است که بهائیان ایران از خرد و کلان و پیر و جوان صرفاً به خاطر معتقدات دینی و باورهای وجدانی خود در معرض آن قرار دارند: کودکانی که در مدارس پیوسته از طرف اولیای مدرسه مورد اهانت و تحقیر قرار می‌گیرند و در نهایت مظلومیت مجبور به دفاع از شرافت انسانی خود می‌شوند و پدران و مادران آنان باید در کمال دل‌شکستگی این اعمال غیر انسانی را برای فرزندان خود به نحوی توجیه نمایند که بذرکینه و نفرت در قلوب پاک آنان کاشته نشود؛ جوانانی که از تحصیلات عالی محروم گشته‌اند و والدین‌شان که خود از استخدام و شغل و حرفه ممنوع و با مشکلات شدید اقتصادی روبه‌رو هستند باید در عین حال درد عدم استطاعت مالی برای برآوردن نیازهای فرزندان دل‌بند خود را نیز تحمل نمایند؛ افرادی که بدون کوچک‌ترین خطا و بر خلاف تمام موازین قانونی بازداشت شده و با خشونت مورد بازجویی قرار گرفته در محس‌ترین زندان‌ها به بند کشیده می‌شوند و از حقوق حقّه زندانیان نیز محرومند؛ خانواده‌هایی که در معاشرت با همسایگان و دوستان خود باید محتاط باشند زیرا مأمورین امنیتی مردم را به شدت از معاشرت با بهائیان بر حذر می‌دارند؛ فرد فرد اعضای جامعه بهائی که به علت تبلیغات منفی و نشر اکاذیب و توهین به مقدّسات آنان از طرف مسئولین امور، پیوسته احساس ناامنی می‌نمایند؛ و احبای عزیزی که در شهرها و روستاها در سراسر ایران شاهد تخریب و آتش زدن خانه، مزرعه و محلّ کسب و کار خویش و حتی هتک حرمت و ویرانی قبور عزیزان از دست رفته خود هستند و تظلم و دادخواهی آنان نیز به جایی نمی‌رسد.

البته بهائیان تنها شهروندانی نیستند که در عین بی‌گناهی از حقوق حقه خود محروم شده و مورد انواع بی‌عدالتی قرار گرفته‌اند. بسیاری دیگر از مردان و زنان آزاده و شریف آن مرز و بوم نیز برای دفاع از آزادی و حقوق انسانی و نهایتاً پیشرفت و آبادانی کشور خود، متحمل مشقات فراوان گردیده با شهامتی قابل ستایش در مقابل شدیدترین مظالم ایستادگی نموده تسلیم تعصبات جاهلیه و خرافات مبتذله نشده‌اند.

استقامت سازنده شما و نتایج آن از انظار ناظران هوشیار پنهان نیست. ملاحظه فرمایید که چگونه از یک طرف در طی سه سال گذشته، جامعه بهائی اگرچه از موهبت هدایات هیئت‌های یاران و خادمین خود محروم بوده ولی به مدد تأییدات آسمانی و همت یکایک شما عزیزان به تمشیت امور خود ادامه داده و ابعاد ابتکارات شخصی و نتایج مشاورات گروهی اش گسترشی شایان یافته است. هر یک از شما در هر فضا و هر مکان، چه در فسحت ایوان و چه در سلول‌های تنگ و تاریک زندان، چون شمع برافروخته‌ید قدرت رحمان بر همگان نور امید و پرتو عشق و محبت افشاندید. اتحاد جامعه و هم‌بستگی اعضای آن و قابلیت رسیدگی به نیازهای یکدیگر به مراتب بیشتر شده، روابط اجتماعی اعضای آن با آشنایان و همکاران گسترده‌تر و محکم‌تر گشته، پویایی جامعه در راه خدمت به دیگران افزون گردیده و خیل مشتاقان به سوی حریم قدس جانان مستمراً در حرکت بوده است. فداکاری‌های بی‌شمار شما عزیزان اثرات عمیقی نیز در بیداری وجدان مردمان شریف آن سرزمین داشته است. در همین مدت به برکت جان‌فشانی‌های شما، قابلیت جامعه بهائی در سراسر عالم برای کمک به ازدیاد توان‌مندی مردم جهت تعیین مسیر پیشرفت معنوی، اجتماعی و مادی خود، به نحو چشم‌گیری افزایش یافته و توجه عموم به ویژه جوانان به مطالعه حقایق این آیین نازنین بیش از پیش جلب شده و تمایل آنان برای مشارکت در مشروع عظیمی که بهائیان به آن اشتغال دارند فزونی گرفته است.

از سوی دیگر، کذب اتهامات وارده از طرف متعصبین بر بهائیان در پیشگاه وجدان مردم ایران و جهان به اثبات رسیده، آرزوی دشمنان دیرینه برای تضعیف جامعه اسم اعظم در آن سرزمین بر باد رفته و اقوال و ادعاهای دروغین مسئولین امور در نزد خاص و عام بی‌اعتبار شده است. در عین حال تضيیقات وارده به دیگر شهروندان نیز گسترش یافته است. سنت شوم زورگویی و ستم‌پیشگی چنان بر آن سرزمین حاکم گردیده که هیچ یک از ایرانیان از گزند آن در امان نیست. به نظر می‌رسد که اولیای امور از این حقیقت غافلند که به شهادت تاریخ، ظلم و ستم هرگز بقای هیچ نظامی را تضمین ننموده است. ملاحظه فرمایید که چگونه نظریات و خواسته‌های افراد نادیده گرفته می‌شود و حقوق انسانی آنان همواره پایمال می‌گردد، گویی آنچه در نزد اولیای امور از کمترین اولویت برخوردار است رفاه، آسایش، ترقی و سعادت توده مردم است. نتیجه دردناک این فجایع بر همگان روشن است. حضرت بهاء‌الله فرزند ارجمند ایران زمین در الواح

مهیمن خود به حکم‌رانان جهان توصیه می‌فرمایند که مظهر عدل و انصاف باشند، به قدرت و لشکر و خزائن خود اطمینان نکنند و دست خود را از ظلم کوتاه نمایند. به آنان هشدار می‌دهند که مردمان سرمایه و ذخایر اصلی هر سرزمین هستند، مبدا امور آنان را به دست سارقین بسپارند. از اولیای امور می‌خواهند که آنچه را برای خود می‌پسندند برای مردم نیز اختیار نمایند، از غرور بپرهیزند، از صرف ذخایر مملکت در راه مقاصد شخصی و تحمیل سختی و مشقت بر مردم اجتناب نمایند و از آه و نالهٔ مظلومان بهراسند. هیکل مبارک تأکید می‌فرمایند که اگر چنین کنند دیگر صرف مبالغ هنگفت برای انباشتن اسلحه لزومی نخواهد داشت، آزادی و صلح و آشتی مستقر خواهد شد و ملک و ملت آسایش خواهد یافت.

آرزوی اهل بهاء به فرمودهٔ حضرت عبدالبهاء آن است که "...ایران سبب حیات جاودان جهان گردد و علم صلح عمومی و امان و روحانیت محضه در قطب امکان برافرازد...." این بینش روحانی است که به شما نیرو می‌بخشد تا به رغم همهٔ مشقات و تضییقاتی که پیوسته بر شما وارد می‌شود هم‌چنان مشتاق خدمت به این آب و خاک بمانید. پس کماکان به حکمت‌های بالغه و وعود حتمیهٔ الهیه ناظر باشید، با اطمینان کامل به آینده بنگرید و هم‌چون گذشته زندگی خود را وقف خدمت به نوع انسان نمایید: به انجام وظایف روحانی فردی خود قائل باشید، گفتمان‌های هدف‌مند خود را در فضاهای موجود با جدیت دنبال کنید و در فعالیت‌های اجتماعی و امور عام‌المنفعه تا حد امکان مشارکت نمایید. در راهی که برای زندگی خود انتخاب کرده‌اید با شادی و سرور گام بردارید و مطمئن باشید که در تحمل شداید و بلایا شریک مولای توانای خود هستید.

به یاد فرد فرد شما عزیزان در اعتاب مقدسهٔ علیا دست به دعا برمی‌داریم و این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء را به یاد می‌آوریم که می‌فرمایند:

...یاران ایران از جان و روان عزیزترند زیرا در سبیل الهی امتحانات شدیده دیده‌اند صدمات عظیمه تحمل کرده‌اند خانه و کاشانه به تالان و تاراج داده‌اند هدف تیر ملامت گشته‌اند و آماج سنگ شماتت شده‌اند جان و روان فدا نموده‌اند و از بوتهٔ افتتان و آزمایش مانند ذهب خالص با روی شکفته بیرون آمده‌اند. لهذا در نزد عبدالبهاء از جان عزیزترند و در نزد ملا اعلی معزز و محترم. لهذا به هریک که رسی آن جان پاک را در آغوش گیر و از طرف من ببوی و ببوس. اگر چنین نمایی مذاق این مشتاق حلاوت بی‌منتها یابد و سبب سرور کلی گردد...

بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيمِ

